

چکیده تحقیق

چکیده

تحقیق حاضر در پی آن است که دکتربین بوش و اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را براساس چارچوب نظری، مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار دهد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم به عنوان اصلی‌ترین راهبرد سیاست خارجی آمریکا و منطقه خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین میدان عملیاتی این راهبرد انتخاب گردیدند. آمریکا در راستای این راهبرد، دکترین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه، طرح خاورمیانه بزرگ، حمله به افغانستان و عراق را طراحی و اجراء نمود. ایالات متحده توانست با جایگزین کردن مبارزه علیه تروریسم و اسلام سیاسی با کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی (زمان جنگ سرد) خلاء مفهومی و هویتی به وجود آمده در سیاست خارجی خود را مرتفع سازد.

سؤال اصلی تحقیق آن است که اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم به عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی آمریکا چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

فرضیه اصلی تحقیق این است که اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم در قالب دکترین بوش به عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی آمریکا منجر به شکل‌گیری برخی فرصتها و افزایش تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران شده است.

تحقیق حاضر در قالب پنج فصل و نتیجه‌گیری تنظیم گردیده است.

فصل اول شامل کلیات که حاوی مسائل عمده تحقیق می‌باشد. فصل دوم در بر گیرنده بررسی مفهوم امنیت از منظر مکتب کپنهاگ به عنوان چارچوب نظری تحقیق می‌باشد.

در فصل سوم، مفهوم تروریسم و استراتژی آمریکا در مبارزه با تروریسم مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم در بر گیرنده اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم: دکترین حمله پیشدستانه، حمله پیشگیرانه، طرح خاورمیانه بزرگ و حمله به عراق می‌باشد.

فصل پنجم به کنکاش فرصتها و تهدیدهای امنیتی ناشی از راهبرد آمریکا در مبارزه با تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

نگارنده تحقیق حاضر با بررسی واقعیات موجود و کنکاش پیامدها و تأثیرات دکترین بوش و اقدامات آمریکا در مبارزه با تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده است که این راهبرد ضمن ایجاد فرصتها و پیامدهای مثبت، موجب افزایش تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده

[Type the document title]

است بنحوی که این تهدیدات می تواند بقاء و اصل وجودی نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند. به این ترتیب فرضیه اصلی تحقیق حاضر به اثبات رسیده است.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	فصل اول : کلیات تحقیق.....
۲.....	الف) طرح مسأله.....
۵.....	ب) سؤال اصلی تحقیق.....
۵.....	ج) سئوالات فرعی.....
۵.....	د) فرضیه اصلی تحقیق.....
۶.....	م) متغیرهای تحقیق.....
۶.....	ه) مفاهیم عمده تحقیق.....
۹.....	ط) علل انتخاب موضوع.....
۱۰.....	ی) ادبیات تحقیق.....
۱۴.....	ک) نوآوری پایان نامه.....
۱۴.....	ل) روش تحقیق.....
۱۴.....	م) روش جمع‌آوری داده‌ها.....
۱۵.....	ن) محدوده زمانی تحقیق.....
۱۵.....	س) سازمان‌دهی تحقیق.....
۱۷.....	پی‌نوشت‌ها.....

فصل دوم: چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

مقدمه	۲
گفتار اول: بررسی مفهوم امنیت ملی	۴
بند ۱: مفهوم امنیت	۴
بند ۲: مفهوم امنیت ملی	۵
بند ۳: صفات و خصوصیات امنیت ملی	۹
بند ۴: آسیب پذیری‌ها و تهدیدها علیه امنیت ملی	۱۱
گفتار دوم: شاخص‌ها و ماهیت امور امنیتی از منظر مکتب کپنهاگ	۱۴
بند ۱: شاخص‌های امنیت در مکتب کپنهاگ	۱۵
بند ۲: امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن	۱۷
گفتار سوم: محیط امنیتی دولت و ابعاد مختلف آن از منظر مکتب کپنهاگ	۲۳
بند ۱: محیط امنیتی دولت	۲۳
بند ۲: ابعاد مختلف امنیت ملی	۲۴
بند ۳: ابعاد مختلف تهدید علیه امنیت ملی	۲۸
گفتار چهارم: سطح تحلیل امنیت از منظر مکتب کپنهاگ	۳۱
بند ۱: الگوهای دوستی و دشمنی	۳۱
بند ۲: اختلافات و همبستگی‌های نژادی و فرهنگی	۳۲
بند ۳: تغییر ساختار نظام دو قطبی	۳۳
پی‌نوشت‌ها	۳۸

فصل سوم: استراتژی ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم

مقدمه	۴۲
گفتار اول: بررسی مفهوم تاریخی تروریسم	۴۴
بند ۱: مفهوم تروریسم	۴۴
بند ۲: شاخصه‌ها و اجزای مفهوم تروریسم	۴۶
بند ۳: تاریخچه مبارزات مسلحانه از نوع تروریسم	۴۸
گفتار دوم: تعریف تروریسم: دیدگاه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی	۵۰
بند ۱: تعریف تروریسم	۵۰
بند ۲: تعریف تروریسم از منظر سازمان‌های بین‌المللی	۵۲
بند ۳: تعریف تروریسم از دیدگاه کشورهای قدرتمند	۶۰
گفتار سوم: سیاست خارجی آمریکا	۶۵
بند ۱: مکاتب سیاست خارجی آمریکا	۶۵
بند ۲: دکترین جورج دبلیو بوش	۶۶
بند ۳: اندیشه‌های نو محافظه کاران	۶۷
گفتار چهارم: تحولات استراتژی ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم	۷۱
بند ۱: استراتژی آمریکا در قبال تروریسم از دهه ۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	۷۱
بند ۲: استراتژی آمریکا در قبال تروریسم بعد از ۱۱ سپتامبر	۷۴
بند ۳: مبارزه با تروریسم در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲ آمریکا	۷۹
بند ۴: سیاست آمریکا در مبارزه با دولت‌های حامی تروریسم	۸۶

۸۸.....	بند ۵: مبارزه با تروریسم در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۶ آمریکا.....
۹۵	پی‌نوشت‌ها.....
۱۰۲.....	فصل چهارم: اقدامات ایالات متحده در مقابله با تروریسم.....
۱۰۳	مقدمه
۱۰۵.....	گفتار اول: اقدامات حقوقی در مقابله با تروریسم: طرح حمله پیشدستانه و پیشگیرانه
۱۰۵.....	بند ۱: عملیات پیشدستانه و حمله پیشگیرانه در استراتژی امنیت ملی آمریکا
۱۰۸.....	بند ۲: تمایز بین حمله پیشدستانه و حمله پیشگیرانه
۱۱۰.....	بند ۳: حمله پیشگیرانه و پیشدستانه از منظر حقوق بین‌الملل
۱۱۴.....	بند ۴: پیامدهای دکترین حمله پیشگیرانه و پیشدستانه آمریکا برای امنیت جهانی
۱۱۶.....	گفتار دوم: اقدامات سخت‌افزاری در مقابله با تروریسم: حمله آمریکا به عراق
۱۱۶.....	بند ۱: پیشینه روابط آمریکا با عراق
۱۱۷.....	بند ۲: مقامات آمریکایی و زمینه‌های حمله آمریکا به عراق
۱۲۱.....	بند ۳: دلایل اعلامی آمریکا برای حمله به عراق
۱۲۷.....	بند ۴: اهداف آمریکا از حمله به عراق
۱۳۸.....	گفتار سوم: اقدامات نرم‌افزاری در مقابله با تروریسم: طرح خاورمیانه بزرگ
۱۳۸.....	بند ۱: اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا
۱۴۲.....	بند ۲: تاریخچه طرح خاورمیانه بزرگ
۱۴۵.....	بند ۳: نمونه‌های تاریخی
۱۴۶.....	بند ۴: ماهیت طرح خاورمیانه بزرگ

- بند ۵: اهداف آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ ۱۴۹
- پی‌نوشت‌ها ۱۵۸
- فصل پنجم: فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی برآمده از راهبرد آمریکا در مبارزه با تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۲
- مقدمه ۱۶۴
- گفتار اول: مفهوم آمریکایی حمله پیشدستانه و پیشگیرانه و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۶
- بند ۱: احتمال عملیات پیشدستانه و پیشگیرانه علیه جمهوری اسلامی ایران ۱۶۶
- بند ۲: راههای غیرنظامی عملیات پیشدستانه ۱۷۱
- بند ۳: دلایل مؤثر در عدم بکارگیری عملیات پیشدستانه علیه ایران تا کنون ۱۷۳
- بند ۴: راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال حمله پیشگیرانه ۱۷۴
- گفتار دوم: شناسایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور اهریمنی و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۷۶
- گفتار سوم: فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی ناشی از حمله آمریکا به عراق برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۷۷
- بند ۱: فرصت‌های امنیتی ناشی از حمله آمریکا به عراق برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۷۷
- بند ۲: تهدیدات امنیتی ناشی از پیامدهای حمله آمریکا به عراق برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۹۰
- گفتار چهارم: تهدیدات و فرصت‌های امنیتی برآمده از طرح خاورمیانه بزرگ بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱
- بند ۱: تهدیدات طرح خاورمیانه بزرگ علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱

[Type the document title]

بند ۲: فرصت‌های طرح خاورمیانه بزرگ برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۲۱۰

بند ۳: ناکارآمدی و نقایص طرح خاورمیانه بزرگ ۲۱۱

پی‌نوشت‌ها ۲۱۳

نتیجه‌گیری ۲۱۸

فهرست منابع ۲۳۰

فصل اول:

کلیات تحقیق

الف) طرح مساله :

ترور و تروریسم پدیده جدیدی نیستند. تاریخ بشریت مشحون از اقدامات تروریستی بوده است. از دیر باز با تشکیل نخستین اجتماعات بشری، تروریسم، تهدیدات و پیامدهای آن امنیت و بقای بشر را تهدید کرده و فقط با گذر زمان گونه‌ها، اشکال ظهور و بروز آن دگرگون شده است. این پدیده در طول تاریخ سبب سلب یا تهدید حیات بی‌گناهان بی‌شماری شده، روابط دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و بهانه‌ای برای شروع جنگ‌های خونین شده، تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است.

این پدیده با توجه به تحولات و پیشرفت‌های جدید متحول شده و گونه‌های جدید آن وارد عرصه نظام بین‌المللی شده است. مخصوصاً در سه دهه آخر قرن بیستم و اوایل قرن حاضر گروه‌های تروریستی با بکارگیری و استفاده از پیشرفت‌های علمی و ارتباطاتی متحول شده و انواع جدیدی از تروریسم از جمله، تروریسم بین‌المللی، هسته‌ای، سلاح‌های کشتار جمعی و سایبر تروریسم را ابداع کرده‌اند. در عصر جهانی شدن، اقدامات تروریستی در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمانده و عملیات و آثار آن کل عرصه گیتی را دستخوش ناامنی کرده است.

با وجود اینکه تروریسم یک پدیده جهانی می‌باشد که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌نماید، به دلیل برخورد سیاسی کشورها با آن و دلایل متعدد دیگر هنوز جامعه جهانی به یک ارزیابی واحد و مورد توافق در مورد آن به اجماع واحد نرسیده است. این مسأله موجب گردیده تا جامعه بین‌المللی نتواند با آن به نحو مؤثری برخورد نماید. در عرصه نظام بین‌الملل، هر کشوری براساس ارزش‌ها، هنجارها و منافع خاص خود با پدیده‌های تروریستی برخورد می‌کند. معیار تروریست شناختن گروه‌ها و کشورها را این فاکتورها مشخص می‌سازد. به طوری که امروزه شاهد آن هستیم که برخی از گروه‌ها از سوی تعدادی از کشورها به عنوان تروریست قلمداد می‌شوند در حالی که همان گروه‌ها از سوی سایر کشورها به عنوان گروه‌های آزادی بخش شناخته می‌شوند.

ایالات متحده به خاطر رقابت‌های امنیتی و ایدئولوژیک با اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد، تروریسم را تهدید عمده‌ای محسوب نمی‌کرد و علی‌رغم بروز اقدامات تروریستی علیه منافع و امنیت شهروندان آمریکایی در گستره گیتی، دستورالعمل خاصی برای مبارزه با تروریسم نداشت.^۱ آمریکا در این دوران گروه القاعده را به خاطر مبارزه آن با کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد نه تنها گروه تروریستی قلمداد نمی‌کرد بلکه از نظر مالی، تجهیزاتی، آموزشی و اطلاعاتی تغذیه می‌کرد.

بعد از پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی سیاست خارجی آمریکا دچار نوعی خلاء مفهومی، سردرگمی و بحران هویت گشته بود. دولتمردان ایالات متحده برای رفع این مشکل هر از چندگاهی تهدیداتی را مطرح می‌کردند، چنان که زمانی تهدید چین و زمانی دیگر تهدیدات نامتقارن را مطرح می‌کردند ولی نکته این جاست که هیچ کدام از تهدیدهای اعلامی و امنیتی ساخته آمریکا نتوانستند جامعیت لازم را برای هدایت و انسجام سیاست خارجی آمریکا جهت دستیابی به اهداف مورد نظر این کشور داشته باشند.

بوش پدر با اعلام دکترین "نظم نوین جهانی"، قرن بیست و یکم را قرن آمریکایی خواند. جورج واکر بوش در اجتماع نمایندگان کنگره چنین گفت: «در هر کجایی که اعضای نظام بین‌الملل اصول مقررات و رویه‌ها را نقض نمایند، آمریکا در صورت لزوم به زور متوسل خواهد شد، زیرا ایالات متحده تنها کشوری است که دارای چنین مسئولیتی بوده و توانایی ایفای آن را دارد.»^۲

در دوره کلینتون و حکومت دموکرات‌ها، دکترین نظم نوین جهانی تا حدودی به فراموشی سپرده شد. با به قدرت رسیدن بوش پسر و وقوع حملات ۱۱ سپتامبر در آن برهه، فرصتی تاریخی در پیش روی تیم نومحافظه کاران کاخ سفید قرار گرفت تا رویای نظم نوین و هژمونی آمریکا را در جهان پیاده کنند. سیاستگذاران کاخ سفید مبارزه با تروریسم و اسلام سیاسی را جایگزین مبارزه با کمونیسم و شوروی سابق کردند. ایالات متحده با طرح یک دشمن مشترک، خطرناک، جدید و طرح مفاهیمی وحدت بخش و توجیه کننده همچون جدیدیت خطر تروریسم و مبارزه با تروریسم علاوه بر اینکه قدرت‌های بزرگ را به تدریج در یک جبهه واحد قرار داد، موجب گردید که برخی از کشورها نیز منافع خود را در پیوستن به این جبهه واحد قدرت‌های بزرگ تشخیص دهند. چین و روسیه برای سرکوب مخالفان و جدایی طلبان خود، پاکستان برای تبرئه خود، امکان ادامه آزمایش‌های هسته‌ای و اثبات وابستگی به واشنگتن، هند و کشورهای میانه‌رو عربی برای احساس خطر و تهدیدات امنیت داخلی خود در راستای همین هدف به سرعت به این اتحادها پیوستند. علاوه بر اینها کشورهای اروپای شرقی از جمله لهستان، بلغارستان و رومانی به خاطر عضویت در ناتو و ارتقاء جایگاه خود در آن به این اتحاد پیوستند.^۳

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نظام بین‌الملل را به طور کلی و ایالات متحده را به طور خاص دچار دگرگونی‌هایی ساخت. به یقین این رویداد به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ جهان و به خصوص ایالات متحده به یادگار خواهد ماند و آیندگان از آن به عنوان روزی یاد خواهند کرد که سرنوشت دیگری را برای آینده تاریخ بشریت رقم زده است. ایالات متحده از یک سو توانست افکار عمومی داخلی و جهانی را به بهانه مبارزه با

تروریسم در اجرای سیاست‌های توسعه طلبانه و مداخله جویانه خود جلب نماید و از سوی دیگر تحت عنوان مبارزه با تروریسم و طرح تهدیدات جدید و نامتقارن به تئوریزه کردن دکترین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه پرداخت. با طرح این دو تئوری جدید ایالات متحده در تلاش بود تا محدودیت‌های ایجاد شده توسط حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد را در اجرای سیاست‌های مداخله گرایانه و استیلاجویانه دور زده و با استفاده از کلیه وسایل، ابزار و حتی قدرت نظامی نامشروع درصدد عملی ساختن اهداف بلند مدت و هژمونی خود برآید.

در همین راستا پس از حملات ۱۱ سپتامبر مبارزه با تروریسم، بنیادگرایی اسلامی و کشورهای محور اهریمنی که از سوی آمریکا به عنوان حامی تروریسم و گسترش دهنده سلاح‌های کشتار جمعی قلمداد می‌شوند به اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شدند. اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۰۲ و ۲۰۰۶) براساس این اولویت طرح ریزی و تنظیم شده‌اند. ایالات متحده دکترین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه را برای مبارزه سخت‌افزاری با دشمن امنیتی ساخته خود یعنی "تروریسم" طراحی نمود و بعد از آن، این دکترین را در حمله به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ به بوته آزمایش گذاشت. همچنین طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا برای مبارزه نرم‌افزاری با تروریسم طراحی گردید و ایالات متحده درصدد است در قالب آن ارزش‌ها و هنجارهای آمریکایی و نظام لیبرالیسم غربی را در منطقه خاورمیانه عملیاتی کند. با طرح و اجرای این ایده‌ها آمریکا در سیاست اعلامی خود سعی دارد ریشه‌های تروریسم را در منطقه بخشکاند و در اصل در اقدامی عملیاتی زیر ساخت‌های استیلاء و هژمونی خود را در منطقه مستحکم کند.

در مرحله اول برای نگارنده سئوالاتی با توجه به تغییرات و تحولات عرصه نظام بین‌الملل پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، امنیتی شدن تروریسم و انتخاب راهبرد مبارزه با تروریسم به عنوان استراتژی کلان سیاست خارجی آمریکا با توجه به قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین مرکز عملیاتی راهبرد مبارزه با تروریسم و نیز در مورد علل انتخاب این راهبرد و اهداف اعلامی و پنهانی ایالات متحده از اتخاذ این راهبرد، مطرح گردید. در مراحل بعدی، اینکه ایالات متحده در مبارزه با تروریسم دست به چه اقداماتی زده و چه سیاست‌هایی را طراحی و اجراء نموده، ذهن نگارنده را به خود مشغول کرد. در نهایت با توجه به عصر جهانی شدن و تأثیر شدید نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر واحدهای ملی، پیشینه روابط ایران و آمریکا، ادعاها و تهدیدهای این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها، تهدیدات و فرصت‌های ناشی از اقدامات آمریکا در مبارزه با تروریسم ذهن نگارنده را به چالش کشاند.

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیرات دکترین بوش در مبارزه با تروریسم به عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی این کشور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و شکل گیری فرصتها می باشد یا به عبارت دیگر به کنکاش فرصت ها، چالش ها و تهدیدات ناشی از راهبرد جدید سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می پردازد. اقدامات آمریکا در مبارزه با تروریسم به عنوان متغیر مستقل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب) سئوال اصلی تحقیق

دکترین بوش در مبارزه با تروریسم بعنوان یک راهبرد جدید سیاست خارجی آمریکا چه فرصت ها و تهدیداتی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

ج) سئوالات فرعی

- ۱- مفهوم حمله پیشدستانه و پیشگیرانه دارای چه مشخصات، ویژگی ها و موازینی است؟
- ۲- طرح محور اهریمنی از سوی ایالات متحده و قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در این طرح چه پیامدهایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟
- ۳- اجرای دکترین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه از سوی ایالات متحده آمریکا چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟
- ۴- حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در قالب استراتژی پیشدستانه چه اثراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟
- ۵- طرح خاورمیانه بزرگ چیست و چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته؟

د) فرضیه یا فرضیه ها :

- ❖ دکترین بوش بعنوان راهبرد جدید سیاست خارجی آمریکا موجب شکل گیری فرصتها و تهدیدات امنیتی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است .
بر اساس این راهبرد فرصتهای پیش آمده عبارتند از:
- حذف حاکمیت حزب بعث و طالبان به ترتیب در عراق و افغانستان ، تقویت شیعیان و حاکمیت نخبگان طرفدار ایران در این دو کشور

- بستر سازی برای آغاز مذاکرات ایران و آمریکا و افزایش قدرت چانه زنی ایران در مقابل با آمریکا همچنین تهدیدات عبارتند از :
- افزایش تهدیدات نظامی با تکمیل محاصره ایران در منطقه ، ایجاد محدودیت های سیاسی و تشدید تحریم های اقتصادی و زمینه سازی لازم برای بهره گیری از قوه قهریه علیه ایران.
- از بین رفتن موازنه قوای منطقه ای و تضعیف ایران در مقابل اسرائیل و کاهش قدرت چانه زنی ایران در روابط دو جانبه با کشور های همسایه

م) متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل : دکتربوش در مبارزه با تروریسم .

متغیر وابسته : امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

ه) مفاهیم عمده تحقیق

۱- تروریسم^۱

واژه ترور از ریشه لاتین "ترر"^۲ به معنای ترساندن، ترس و وحشت است. واژه های "تروریسم" و "تروریست"^۳ که در واقع واژه های جدید به شمار می روند از این کلمه لاتین مشتق شده اند. تروریسم به مکتب و پایگاهی گفته می شود که در آن اصول و آموزه های ترور آموخته می شود و تروریست نیز به معنای شخصی است که این آموزه را در دستیابی اهداف خود، در واقع ادای دین به مکتب خود عملی می سازد.

در مورد تعریف تروریسم بین اندیشمندان و کشورها اختلاف نظر وجود دارد و در اینجا تعریفی که "الکس اشمید"^۴ مدعی است که مورد توافق ۸۱ درصد از دانشگاہیان است، ارائه می شود:

«تروریسم یعنی شیوه ایجاد وحشت توسط اقدام خشونت آمیز مکرر توسط افراد، گروه ها یا بازیگران دولتی مخفی (یا نیمه مخفی) به دلایل سیاسی، جنایی و غیر عادی در جایی که اهداف مستقیم اهداف اصلی نیستند. بر خلاف ترور که هدف مستقیم، هدف اصلی است. قربانیان انسانی چنین خشونت های اغلب به طور

^۱ -Terrorism

^۲ - Terrere

^۳ -Terrorist

^۴ -Alexp Schmidt

تصادفی (برحسب فرصت) یا گزینشی (اهداف سمبلیک و نماینده) از میان جمعیت هدف انتخاب می‌شوند و به عنوان مولدهای پیام رسانی عمل می‌نمایند. ارتباط مبتنی بر تهدید و خشونت بین تروریست‌ها قربانیان و اهداف اصلی، اصولاً برای فریفتن هدف اصلی که همان افکار عمومی و مخاطبان می‌باشد، برای تبدیل آن به هدف مورد توجه، هدف خواسته شده و هدف وحشت و تبلیغی که از آغاز برای آن در نظر گرفته شده است به کار می‌رود»^۴.

۱- امنیت ملی

امنیت ملی از نظر "باری بوزان" عبارت است از: «حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقاء و ادامه سازمان اجتماعی و حاکمیت کشور، حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور، نبود تهدید از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور»^۵ وی با وجود اینکه امنیت را مفهومی توسعه نیافته می‌داند اما تعریفی جالب توجه از آن ارائه می‌دهد: "امنیت تعامل میان تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست. به عبارت دیگر امنیت تلاشی است که توسط بازیگران مختلف صورت می‌گیرد تا آنان را به جایگاه مطلوب برساند." «به عقیده وی امنیت به وضعیتی گفته می‌شود که طی آن ارزش‌های اساسی جامعه نظیر حاکمیت و تمامیت ارضی مورد تهدید واقع بشود، اما امکانات ممانعت از براندازی نیز در دسترس باشد. اگر امکانات مقابله بیش از امکانات تهدید باشد، امنیت حاصل است، اما اگر حجم و خطر تهدید بیش از امکانات مقابله باشد، مؤید ناامنی خواهد بود. بنابراین در یک جمله می‌توان گفت امنیت مقوله‌ای است که از یک سو در رابطه با تهدید و آسیب‌پذیری و از سوی دیگر با امکانات مقابله قابل مقایسه است.»^۶

"رابرت ماندل" معتقد است امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً یکی از مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.^۷

۳- یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱

یازدهم سپتامبر اصطلاحی برای اشاره به رویداد حمله تروریستی به برج‌های دوقلو سازمان تجارت جهانی در نیویورک می‌باشد که در اثر برخورد دو فروند هواپیما با ساختمان تجارت جهانی نزدیک به سه هزار تن از کارکنان آن کشته شدند.

این حادثه موجب تحولات اساسی در نظام بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا گردید و به بهانه مبارزه با تروریسم جهانی، باعث حمله به افغانستان (۷ اکتبر ۲۰۰۱) و سپس به عراق (۳۰ مارس ۲۰۰۳)، طراحی دکرین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه و طرح خاورمیانه بزرگ گردید.

۳- طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ در آمریکا طراحی و به دنبال آن در ماه ژوئن ۲۰۰۴ با عنوان "مشارکت برای پیشرفت" توسط هشت کشور صنعتی جهان در ایالت جورجیا مورد پذیرش واقع شد که هدف آن بررسی ریشه های عقب ماندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در منطقه و انجام اصلاحات اقتصادی، افزایش حقوق زنان و اقلیت‌ها، گسترش دموکراسی و اصلاحات سیاسی در جوامع خاورمیانه است. ایالات متحده در پوشش این طرح، اهداف بلند مدت و هژمونی خود را در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کند. در این طرح منطقه خاورمیانه در بر گیرنده جهان عرب، ایران، ترکیه، اسرائیل، پاکستان و افغانستان می‌باشد.^۸ البته در برخی نوشته‌ها کلیه کشورهای اسلامی حتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را هدف طرح نام برده‌اند.

۴- استراتژی

از کلمه Strategia در زبان یونانی به معنای سرداری و سپهسالاری است و در اصل اصطلاحی نظامی به معنای سنجیدن وضع خود و حریف و طرح نقشه برای روبرو شدن با حریف در مناسب‌ترین وضع است.

استراتژی علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی است که در سطح دولت و یا بین چند دولت با بکار گرفتن کلیه امکانات جهت دستیابی به هدف‌های نظامی و سیاسی گرفته می‌شود. استراتژی در طول یک مرحله معین تغییر نمی‌نماید و تنها با انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر عوض می‌شود و جای خود را به یک استراتژی منطبق با مرحله جدید می‌دهد.^۹

۵- دکرین حمله پیشدستانه و پیشگیرانه

در آغاز ژوئن سال ۲۰۰۲، جورج بوش دوم در یک سخنرانی در "وست پوینت" نیویورک دکرین حمله پیشدستانه را در اصل به عنوان توجیحی برای جنگ عراق و جنگ‌های احتمالی بعد اعلام کرد و اندکی بعد به عنوان یکی از اجزای اصلی استراتژی بزرگتری با عنوان "سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲ آمریکا" منتشر شد. در این استراتژی آمده است که "ما باید از وقوع تهدید قبل از آنکه غیر قابل کنترل شود جلوگیری کنیم". حمله

پیشدستانه یا ضربه اول زمانی صورت می‌گیرد که احتمال وقوع یک حمله قریب‌الوقوع، مشخص، نزدیک و مطمئن باشد. اما جنگ پیشگیرانه که در دکترین بوش (سند ۲۰۰۲) و "سند استراتژی ۲۰۰۶" مطرح شده است، شامل مفهوم گسترده‌ای است. این واژه شامل پیشگیری از امکان تهدید درازمدت که در حال توسعه است نیز می‌شود. در حمله پیشدستانه زمان و مکان تهدید مشخص و مسلم است اما در جنگ پیشگیرانه زمان و مکان تهدید مشخص و مسلم نیست و تنها اطلاعات موجود حاکی از احتمال تهدید در آینده دور است و اطلاعاتی هم که مبنای این جنگ پیشگیرانه قرار می‌گیرد، مورد تردید و مناقشه است. در دکترین بوش، مفهوم اقدام پیشگیرانه در قالب مفهوم اقدام پیشدستانه به کار رفته است.^{۱۰}

۶- محور شرارت (محور اهریمنی)

در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۲ جورج بوش در سخنرانی سالیانه خود در کنگره ملی، سه کشور جمهوری اسلامی ایران، کره شمالی و عراق را به عنوان محور شرارت در جهان معرفی نمود. وی علت این نامگذاری را «حمایت آن کشورها از تروریسم» و «تلاش آنها برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی» بیان کرد.^{۱۱}

۷- حمله آمریکا به عراق

جناح نومحافظه کار حاکم بر کاخ سفید پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی و رابطه رژیم عراق با تروریست‌ها، مخصوصاً القاعده، رژیم صدام حسین را به عناوین مختلف تحت فشار قرار داد و سرانجام در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، در قالب استراتژی حمله پیشگیرانه و بدون مجوز شورای امنیت و با همراهی انگلستان به این کشور حمله، آن را اشغال و رژیم حاکم بر آن را سرنگون نمود.

ط) علل انتخاب موضوع

دلایلی که نگارنده تحقیق حاضر را به سوی انتخاب این موضوع هدایت کرد عبارتند از: مطرح شدن راهبرد مقابله با تروریسم به عنوان استراتژی کلان سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. انتخاب این راهبرد به عنوان محور اصلی استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات محسوس ناشی از اتخاذ این راهبرد در سطوح، جنبه‌ها و ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، واقع شدن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه که اصلی‌ترین میدان عملیاتی کردن راهبرد کلان آمریکا در مبارزه با تروریسم می‌باشد. علاوه بر موارد فوق علاقه نگارنده

به مباحث امنیتی مخصوصاً مسائل مربوط به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی آمریکا مهم-ترین دلایل انتخاب موضوع حاضر بوده است.

ی) ادبیات تحقیق

در مورد پژوهش حاضر اثری که کلیه اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم و تأثیرات این اقدامات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سطوح و جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده باشد، چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی موجود نمی‌باشد. اما آثاری چه به زبان فارسی و چه انگلیسی در مورد استراتژی ایالات متحده در مبارزه با تروریسم، اقدامات آمریکا به صورت موردی در مبارزه با تروریسم و تأثیرات این اقدامات در سطوح گزینشی وجود دارد. در ذیل به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود.

۱. حسین دهشیار ، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحد آمریکا ، تهران، نشر قومس ، ۱۳۸۶.

دهشیار در این اثر خود مبانی تئوریک استراتژی کلان آمریکا و عوامل دخیل در تعیین استراتژی کلان را حوزه بررسی قرار می‌دهد. وی بیان می‌کند که دولتمردان آمریکا در راستای ایجاد مصونیت فیزیکی ، اشاعه ارزش ها و سلامت اقتصادی کشور به طراحی استراتژی اقدام می‌کنند که در هر عصری این استراتژی کلان شکل و شمایل خاص به خود می‌گیرد . دهشیار در این اثر همچنین به بررسی بستر ، نحوه و چرایی تبدیل استراتژی تدافعی آمریکا به استراتژی تهاجمی پرداخته است . در ادامه وی استراتژی و سیاست خارجی آمریکا را در اثر بین الملل گرایی آمریکا را در عصر ژئوپولیتیک و در شکل مبارزه با کمونیسم و عصر ارزشی و در قالب مبارزه با تروریسم مورد بررسی قرار داده است .

۲. کیهان برزگر ، سیاست خارجی ایران در عراق جدید ، ، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.

برزگر در این اثر خود به بررسی جایگاه عراق جدید در سیاست خارجی جدید ایران پرداخته است وی بطور مختصر اثرات و پیامدهای حمله آمریکا به عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و چالش ها و تهدیدات و فرصتهای بوجود آمده را در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سطح منطقه ای و بین المللی مورد بررسی قرار داده است .

۳. دهقانی، سید جلال الدین ، طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی ، سال هفتم ، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱

دهقانی در این مقاله به توضیح طرح خاورمیانه بزرگ که از سوی جورج بوش و نومحافظه کاران آمریکا مطرح شده است، پرداخته و با اشاره به طرح های اصلاحات سیاسی برای کشور های منطقه خاورمیانه ، طرح مذکور را بعنوان تهدیدی نرم افزاری برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مخاطره آمیز ارزیابی کرده است .

۴. علی، عبدالله خانی، تروریسم شناسی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶

عبدالله خانی در جدیدترین اثر خود به بررسی تروریسم و انواع آن پرداخته است. وی در این اثر تروریسم را از دیدگاه متفکران صاحب نظر در این مورد تعریف نموده و شاخص ها و ویژگی های آن را بیان نموده است. در ادامه نویسنده تروریسم را از منظر سازمان ملل، ایالات متحده، مکتب اسلام و مذهب شیعه مورد بررسی قرار داده است.

۵. حسن حسینی، طرح خاورمیانه بزرگ تر و القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، مؤسسه ابرار معاصر تهران، آذر ۱۳۸۳.

حسینی در این کتاب، طرح خاورمیانه بزرگ تر را که از سوی جورج بوش و تیم نومحافظه کاران کاخ سفید مطرح شده را مورد تحلیل قرار داده و سعی کرده اهداف و نیات واقعی طراحان این طرح را نمایان سازد. در این کتاب نویسنده بیشتر به بررسی ماهیت طرح خاورمیانه بزرگ و تأثیر آن بر جهان اسلام پرداخته است. ولی به اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چندان پرداخته نشده است. نویسنده معتقد است که ایالات متحده به دنبال اشاعه دموکراسی، آزادی، حقوق زنان و اصلاحات اقتصادی در منطقه خاورمیانه نیست بلکه آمریکا در پی تغییرات مهندسی در ساختار انسانی و ژئوپلیتیکی منطقه ای است.

۶. رضا، داد درویش، کتاب آمریکا (۷) ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا. تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴